

تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در برخی موقعیت‌های تعامل مکالمه‌ای
بر پایه میزان کلام (Amount of Speech)

محسن جان‌نژاد*

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران
اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۵/۰۴/۲۶، تاریخ تصویب: ۸۵/۰۵/۱۵)

چکیده

تفاوت‌های زبانی مردان و زنان در جوامع زبانی مختلف، همواره مورد مطالعه پژوهشگران و زبان‌شناسان اجتماعی قرار گرفته است و در همه این جوامع میان این دو گونه زبانی، تفاوت‌هایی مشاهده شده است. مطالعات اخیر زبان‌شناسان بر روی جوامع زبانی کشورهای صنعتی، نتایج مطالعات گذشته را مبنی بر وجود تفاوت میان رفتار زبانی مردان و زنان، مورد تأیید قرار داده است. در این مقاله که داده‌های آن بر پایه پیکره زبانی صورت می‌گیرد، تفاوت‌های جنسیتی در تعامل مکالمه‌ای گویشوران مرد و زن ایرانی، با توجه به متغیر زبان‌شناختی (کلامی) "میزان کلام" و با در نظر گرفتن دو عامل "موضوع و نسبت تعداد گویشوران مرد به زن" مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، تفاوت‌های قابل توجهی در توزیع الگوهای جنسیتی مشاهده می‌شود. نتایج این بررسی همچنین نشان می‌دهد که درباره دو عامل موضوع و نسبت تعداد گویشوران، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان گویشوران مرد و زن وجود دارد. گویشوران مرد و زن با توجه به موضوع و دامنه اطلاعات خود پیرامون آن، تعامل مکالمه‌ای متفاوتی از خود نشان می‌دهند و تعداد گویشوران مرد نیز بر رفتار زبانی گویشوران مرد و زن تأثیرگذار می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جامعه زبانی، گویشور زبان، جنسیت، زبان گونه جنسیتی، میزان کلام، تعامل مکالمه‌ای، متغیر زبان‌شناختی.

مقدمه

همیشه این تصور وجود دارد که یک جامعه زبانی دارای زبانی یکپارچه و یکدست است، اما این تصور با واقعیت یکسان نیست. زبانی که ما هر روز بکار می‌بریم، به خاطر نقش مهمی که در زندگی اجتماعی بازی می‌کند و به دلیل ارتباط تنگاتنگش با جامعه، از عوامل اجتماعی- فرهنگی همانند جنسیت، سن، تحصیلات، طبقه اجتماعی و غیره که روابط افراد را در جامعه توصیف می‌کنند، تأثیر می‌پذیرد و به نوبه خود دگرگون می‌شود. به همین دلیل گویشوران یک زبان در موقعیت‌های مختلف زندگی خود در یک جامعه زبانی، به یک صورت سخن نمی‌گویند.

یکی از موضوعاتی که اخیراً در زبان‌شناسی اجتماعی از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده، ارتباط میان زبان و جنسیت است. همه ما می‌دانیم که زنان و مردان از پاره‌ای جهات با هم متفاوتند. این تفاوت‌ها می‌توانند درباره ویژگی‌های زیست‌شناسی و آناتومی بدن باشند و یا از جهاتی دیگر، مثل شیوه پوشش، آرایش سر و صورت، حرکات و رفتارهای اجتماعی، طرز راه رفتن و خندیدن باشند. اما تمایز بین زن و مرد به این ویژگی‌های متفاوت محدود نمی‌شود و تفاوتی که کمتر به نظر می‌رسد، ولی بسیار حائز اهمیت است، تفاوت در رفتار زبانی است. در حقیقت زبان بیانگر هویت ماست. وقتی لب به سخن می‌گشاییم، یکی از ویژگی‌هایی که آشکار می‌شود، مرد یا زن بودن ماست و این ویژگی جنسیتی یکی از جنبه‌های اولیه هویت است که ما از طریق زبان و ارتباط با دیگران می‌آموزیم (کوتس ۱۹۸۶، ۱۶۱).

پژوهشگران و زبان‌شناسان اجتماعی، رفتار زبانی مردان و زنان جوامع مختلفی را بررسی و مطالعه کرده‌اند و در همه این جوامع بین این دو گونه رفتار زبانی تفاوت‌هایی را مشاهده کرده‌اند. حتی پژوهش‌هایی که درباره زبان‌گونه جنسیتی در جوامع زبانی کشورهای پیشرفته صنعتی صورت گرفته، نتایج مطالعات گذشته را مورد تأیید قرار داده است. مطالعات اخیر زبان‌شناختی- اجتماعی که قرائن و شواهدی بر تفاوت‌های زبانی میان مردان و زنان در زبان ارائه داده‌اند، همگی مؤید وجود زبان‌گونه جنسیتی و تفاوت رفتار زبانی مردان و زنان است (لبا، ۱۹۹۰، ۱۹۷۲، ۱۹۶۶؛ تراگیل، ۱۹۸۳، ۱۹۷۴؛ لیکاف، ۱۹۹۰، ۱۹۷۵؛ کوتس، ۱۹۸۶، ۱۹۹۶؛ تانن، ۲۰۰۰، ۱۹۹۳، ۱۹۹۱؛ میلروی، ۱۹۸۱). در این مقاله نیز هدف آنست که تفاوت‌های رفتار زبان‌شناختی مردان و زنان در جامعه زبانی گویشوران فارسی زبان، با توجه به متغیر

زبان‌شناختی "میزان کلام"، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بحث و بررسی

فرضیه این پژوهش بر این نکته استوار است که چون زنان و مردان تجربه و نقش‌های اجتماعی متفاوتی را دارند و انتظارات جامعه از آن‌ها متفاوت است، بنابراین زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی از جامعه متأثر می‌شود و ما شاهد تفاوت‌هایی در رفتار زبانی میان زنان و مردان فارسی زبان خواهیم بود. مطالعه و بررسی متغیر زبان‌شناختی همچون "میزان کلام" در حوزه تعامل مکالمه‌ای و همبستگی آن با مقوله اجتماعی جنسیت می‌تواند این فرضیه را مورد آزمایش قرار دهد. نتایج این پژوهش نشان خواهد داد که آیا در جامعه ما باوری چون "زنان بیش از مردان سخن می‌گویند" ریشه در واقعیت دارد و یا خیر. بررسی و مطالعه رفتار زبانی مردان و زنان فارسی زبان، می‌تواند این نکته را روشن سازد.

میزان کلام

در جامعه ما باور (کلیشه) بسیار رایج و گسترده‌ای وجود دارد، مبنی بر این که زنان بیش از مردان حرف می‌زنند. حتی در پرسشنامه‌ای که بین دانشجویان دختر و پسر توزیع شد، در پاسخ به این پرسش که "به نظر شما کدامیک از دو جنسیت (مرد یا زن) بیش از دیگری حرف می‌زند؟" ۹۱/۴٪ گویشوران زن و ۹۸/۳٪ گویشوران مرد، گویشوران زن را به عنوان جنس "وراج و پرحرف" معرفی کرده بودند. به عبارت دیگر این باور آنقدر عمومیت دارد که خود گویشوران زن نیز بطور کامل آن را پذیرفته‌اند.

زبان‌شناسان برای مطالعه میزان کلام گویشوران مرد و زن در مکالمه، معیارهای متفاوتی را از قبیل: میانگین اطاله کلام، میانگین تعداد کلمات در هر مکث، کل تعداد نوبت‌های گرفته شده، میانگین مدت زمان یک نوبت، میانگین اطاله کلام بدون تکرار، میانگین درصد کل کلمات اظهار شده، میانگین درصد زمان صرف شده در یک مکالمه و غیره در نظر گرفته‌اند.

در این پژوهش، برای ارزیابی و محاسبه میزان کلام، میانگین درصد زمانی که یک گویشور در مکالمه به خود اختصاص می‌دهد، محاسبه می‌شود. برای انجام این کار، کل تعداد ثانیه‌هایی که هر گویشور طی آن‌ها حرف می‌زند، محاسبه می‌شود تا میزان سهم هر گویشور نسبت به کل زمان مکالمه مشخص شود.

از آنجایی که انواع مختلف فعالیت‌ها معمولاً با نیازهای اجتماعی متفاوت و انتظارات کنشی متفاوت همراهند، بنابراین طبیعی و منطقی است از مطالعاتی که رفتار را در بافت‌های متفاوت مطالعه می‌کنند، نتایج و یافته‌های متفاوتی حاصل شود. از این رو، در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل میزان کلام گویشوران زن و مرد فارسی زبان، لازم است موقعیت‌های خاصی را که تعامل زنان و مردان در آنجا صورت می‌گیرد، مورد توجه قرار دهیم. به همین دلیل، نگارنده در این تحقیق، برای ارزیابی توزیع مدت زمان حرف زدن یک جنس خاص، از دو متغیر مستقل استفاده کرده است:

الف) موضوع مکالمه (Topic)

ب) نسبت تعداد گویشوران مرد به زن در موقعیت مورد نظر

توزیع کلی میزان کلام براساس جنسیت

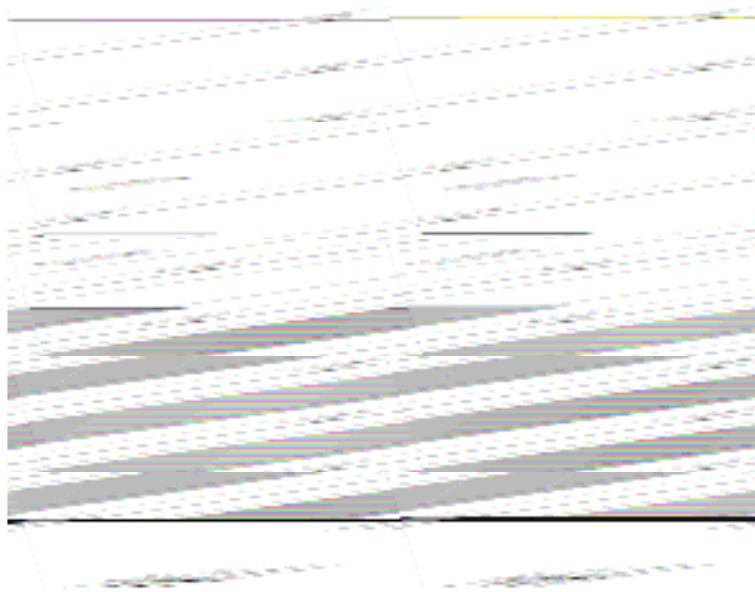
در این پژوهش حدود ۲۰ ساعت و ۹ دقیقه (دقیقاً ۱۲۰۸/۷ دقیقه) مکالمه در موقعیت‌های مختلف^۱ به عنوان پیکره زبان، ضبط و جمع‌آوری شد. توزیع کلی میزان کلام میان گویشوران مرد و زن در جدول زیر نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱: توزیع کلی میزان کلام براساس جنسیت گویشوران (بر حسب دقیقه)

۶۹۶/۵	گویشور مرد
۵۱۲/۲	گویشور زن
۱۲۰۸/۷	جمع کل

درصد میزان کلام دو جنسیت نیز در نمودار زیر نشان داده می‌شود.

۱- مجموع مدت زمان این پژوهش مربوط به ضبط صوتی و تصویری مکالمه‌های جلسات و میزگردهای مختلط دانشجویی با میانگین سن ۱۸-۳۵ سال است که در موقعیت‌های مختلف، نسبت تعداد مردان به زنان تغییر می‌کند.



نمودار شماره ۱: درصد توزیع میزان کلام بر اساس جنسیت گویشوران

همان‌گونه که جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۱ نشان می‌دهند، مجموع مدت زمان مکالمه بطور برابر میان دو جنسیت توزیع نشده است. درصد کل زمان مکالمه گویشوران مرد در تمام موقعیت‌ها ۵۷/۶٪ و درصد کل مدت زمان مکالمه گویشوران زن ۴۲/۴٪ است. این نتیجه بیانگر این نکته است که گویشوران مرد فارسی زبان بیش از گویشوران زن حرف می‌زنند (حداقل در بعضی از موقعیت‌ها).

توزیع میزان کلام بر اساس جنسیت گویشوران و موضوع

در ضبط موقعیت‌های مختلف تعامل مکالمه‌ای، موضوعات متفاوتی مطرح شد که نگارنده آن‌ها را به ۸ گروه دسته‌بندی کرد:

- ۱- مسائل سیاسی، ۲- مسائل اقتصادی، ۳- مسائل ورزشی، ۴- مسائل اجتماعی و فرهنگی، ۵- مسائل پزشکی و بهداشتی ۶- مسائل مذهبی و تاریخی، ۷- مسائل هنر و ادبیات، ۸- مسائل خانواده و تعلیم و تربیت

بررسی تعامل میان موضوع و جنسیت گویشوران می‌تواند تصویر روشنی از توزیع مدت

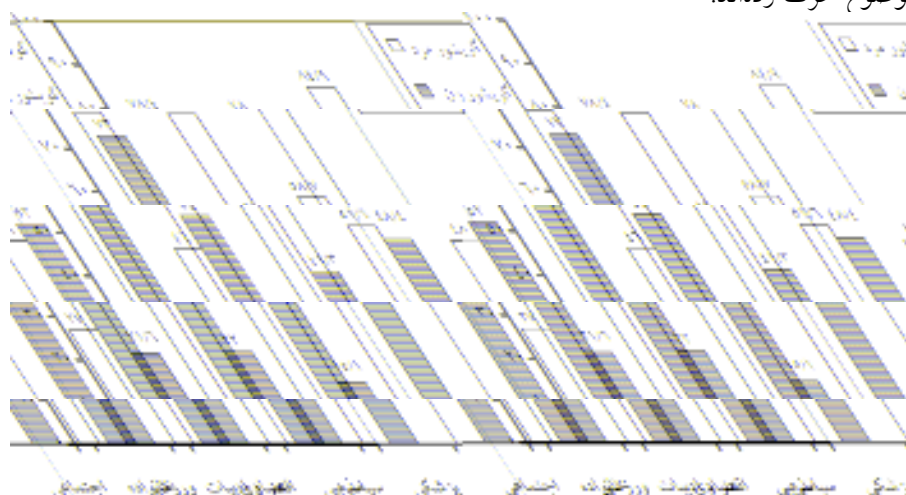
زمان کلامی در بافت‌های خاص ارائه دهد. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها درباره توزیع میزان کلام مبتنی بر تعامل جنسیت و موضوع، نتایج زیر به دست آمد.

جدول شماره ۲: توزیع میزان کلام بر اساس جنسیت گویشوران و موضوع (برحسب دقیقه)

موضوع	مدت زمان مکالمه بر اساس موضوع	گویشور مرد	گویشور زن
۱- سیاسی	۱۶۶/۳	۱۴۱/۲	۲۵/۱
۲- اقتصادی	۱۲۶	۹۸/۳	۲۷/۷
۳- ورزشی	۱۱۶/۷	۹۱/۵	۲۵/۲
۴- اجتماعی و فرهنگی	۱۵۱/۱	۷۲/۶	۷۸/۵
۵- پزشکی و بهداشتی	۲۵۸/۷	۱۳۳/۵	۱۲۵/۲
۶- مذهبی و تاریخی	۹۹/۱	۵۸/۲	۴۰/۹
۷- هنر و ادبیات	۱۱۹/۱	۵۴/۸	۶۴/۳
۸- خانواده و تعلیم و تربیت	۱۷۱/۷	۴۶/۴	۱۲۵/۳
مجموع کل مدت زمان	۱۲۰۸/۷	۶۹۶/۵	۵۱۲/۲

همانگونه که در جدول نشان داده شده است، از هشت موضوعی که پیکره زبانی را تشکیل می‌دهد، گویشوران مرد در پنج موضوع (۱)، (۲)، (۳)، (۵) و (۶) بیش از گویشوران زن زمان مکالمه را به خود اختصاص داده‌اند. نمودار زیر نشان می‌دهد که تفاوت جنسیتی در موضوعات شماره (۱)، (۲) و (۳) حائز اهمیت بسیاری است. گویشوران مرد در موضوع سیاسی از مجموع کل مدت زمان مکالمه ۱۴۱/۲ دقیقه برابر با ۸۴/۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که گویشوران زن تنها ۲۵/۱ دقیقه برابر با ۱۵/۱ درصد در این

موضوع حرف زده‌اند.



نمودار شماره ۲: درصد توزیع میزان کلام بر اساس جنسیت و موضوع

در موضوعات اقتصادی و ورزشی نیز گویشوران مرد از مجموع کل مدت زمان، به ترتیب ۹۸/۳ و ۹۱/۵ دقیقه برابر با ۷۸٪ و ۷۸/۴٪ تعامل انجام داده‌اند که حدود چهار برابر مدت زمان گویشوران زن است. در این زمینه گویشوران زن تنها ۲۲٪ در موضوع اقتصادی و ۲۱/۶٪ در موضوع ورزشی از زمان مکالمه را به خود اختصاص داده‌اند. در موضوعات شماره (۴)، (۵)، (۶) و (۷) میان دو جنسیت تفاوت وجود دارد، ولی اختلاف، زیاد فاحش نیست. برای مثال، گویشوران مرد در موضوع مسائل پزشکی و بهداشتی ۵۱/۶ درصد کل میزان کلام و گویشوران زن ۴۸/۴ درصد را به خود اختصاص می‌دهند.

این بدین معناست که گویشوران مرد در تمامی این پنج موقعیت به‌ویژه در مباحث سیاسی، اقتصادی و ورزشی از حرف زدن گویشوران زن جلوگیری می‌کنند. در مباحث اجتماعی، گویشوران زن و مرد سهم تقریباً یکسانی به خود اختصاص داده‌اند. گویشوران مرد ۴۸٪ و گویشوران زن ۵۲٪ کل میزان کلام را استفاده کرده‌اند که از نظر آماری تفاوت چندانی وجود ندارد. اما در موضوع خانواده و تعلیم و تربیت، نسبت شرکت گویشوران زن در مباحث، بیش از گویشوران مرد است. گویشوران مرد ۲۷٪ و گویشوران زن ۷۳٪ کل میزان کلام را به

خود اختصاص داده‌اند. طبق آزمون آماری این تفاوت بسیار حائز اهمیت است.

نتایج نشان می‌دهد که گویشوران مرد در بسیاری موقعیت‌ها بیش از گویشوران زن حرف می‌زنند، اما این نکته در تمام موقعیت‌ها تأیید نمی‌شود. همان‌گونه که مشخص شد، موضوع مکالمه بر روی پرونداد کلامی هر یک از جنسیت‌ها تأثیر می‌گذارد و گرایش و تعصب هر یک از گویشوران (مرد یا زن) به تسلط و توانایی در موضوعی خاص، انکار ناپذیر است. گویشوران مرد و زن در زمینه‌هایی که انتظار می‌رود اطلاعات بیشتری داشته باشند، با هم متفاوتند. گویشوران مرد در موضوعی که به نظر می‌رسد بیش از گویشوران زن آگاهی و اطلاع دارند (مثلاً اتومبیل، ساختمان و غیره) بیشتر در مباحث شرکت می‌کنند و مدت زمان بیشتری از مکالمه را به خود اختصاص می‌دهند. اما در موضوعی که گویشوران زن ارتباط و آشنایی بیشتری با آن دارند (مثل بچه داری، خیاطی) به آنان مجال و فرصت بیشتری برای سخن گفتن داده می‌شود. ادلسکی (۱۹۸۱، ۲۰۴) اظهار می‌دارد که گاهی اوقات میزان حرف زدن شما بستگی به این دارد که در یک موقعیت خاص چقدر به شما مجال حرف زدن داده می‌شود.

داده‌ها نشان می‌دهد که موضوعات سیاسی، اقتصادی و ورزشی در جامعه ما بیشتر موضوع "مرد محور" هستند. گویشوران مرد در این سه موضوع بطور قابل توجهی بیش از گویشوران زن حرف می‌زنند. موضوع "اجتماعی" کم و بیش یک موضوع خنثی است که در آن گویشوران مرد و زن مدت زمان یکسانی را به خود اختصاص می‌دهند. موضوعی که گویشوران زن بیش از گویشوران مرد در آن حرف می‌زنند، موضوع خانواده - تعلیم و تربیت است. موضوع تعلیم و تربیت الزاماً یک موضوع "زن محور" نیست، اما موضوع خانواده قطعاً یک موضوع "زن محور" است. از آنجایی که معمولاً در جامعه ما، مادران بیشتر وظیفه و مسئولیت مراقبت از بچه‌ها را در اختیار دارند، منطقی است که انتظار داشته باشیم گویشوران زن بیش از گویشوران مرد حرف بزنند (و یا از سوی گویشوران مرد اجازه حرف زدن پیدا کنند).

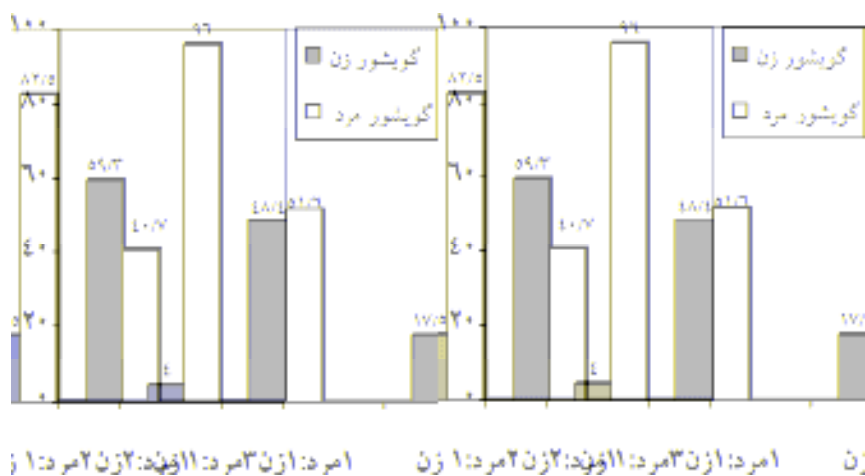
توزیع میزان کلام بر اساس نسبت تعداد گویشور مرد به زن

این پژوهش سعی می‌کند با در نظر گرفتن عوامل اجتماعی ساختاری (الگوهای زیر ساختی روابط اجتماعی و ساختار بنیادین انتظارات گویشوران) رفتار مبتنی بر جنسیت را درباره میزان کلام توصیف کند. برای رسیدن به این هدف، توزیع میزان کلام از لحاظ نسبت گویشوران مرد به زن بررسی شده است. نتایج این بررسی در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳: توزیع میزان کلام بر اساس جنسیت و نسبت تعداد گویشوران مرد به زن (برحسب دقیقه)

نسبت تعداد گویشوران مرد به زن	میزان کلام گویشوران مرد	میزان کلام گویشوران زن
۳ به ۱	۳۵	۱/۴۵
۲ به ۱	۲۰۰/۳	۴۲/۶
۱ به ۱	۳۹۴	۳۷۰/۱۵
۱ به ۲	۶۷/۲	۹۸

در سه موقعیتی که در آن تعداد گویشوران مرد برابر و یا بیش از گویشوران زن است، مدت زمان گفتاری گویشوران مرد بیش از گویشوران زن است و تنها در موقعیتی که نسبت تعداد گویشوران زن بیشتر از مرد است، میزان کلام گویشوران مرد پایین است. این تفاوت‌ها با توجه به درصد میزان کلام گویشوران در نمودار شماره ۳ کاملاً مشخص است.



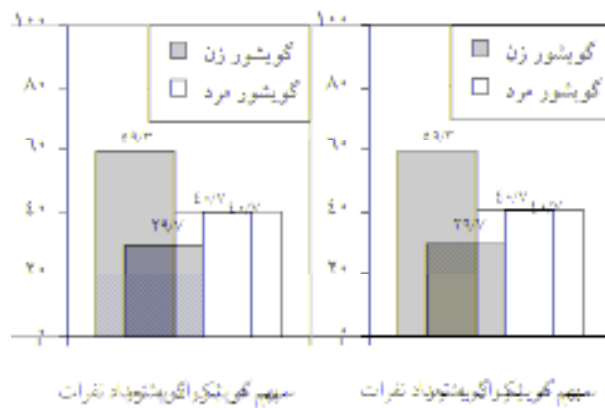
نمودار شماره ۳: درصد میزان کلام بر اساس نسبت تعداد گویشوران مرد به زن

در موقعیت‌هایی که تعداد گویشوران زن و مرد برابر بود (موقعیت ۱ به ۱) در صد توزیع مدت زمان مکالمه، الگویی را شبیه به توزیع کلی جنسیتی نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد. در آن نمودار درصد گویشوران مرد ۵۷/۶٪ و گویشوران زن ۴۲/۴٪ محاسبه شده بود. در این بخش نیز درصد میزان کلام "گویشوران مرد ۵۱/۶٪ و گویشوران زن ۴۸/۴٪ تعیین شد. هر دو وضعیت نشان دهنده این نکته است که گویشوران مرد نسبتاً سهم بیشتری از مدت زمان مکالمه را به خود اختصاص می‌دهند. گرچه تحلیل آماری در موقعیت (۱ به ۱) تفاوت جنسیتی را نشان می‌دهد، اما این تفاوت به اندازه تفاوت موجود در جدول شماره ۱ فاحش نیست. بنابراین می‌توانیم این‌گونه نتیجه‌گیری کنیم که در موقعیت برابر (۱ به ۱) یا (۲ به ۲) در میزان کلام، تفاوت زیادی میان گویشوران مرد و زن وجود ندارد. در واقع تفاوت اصلی زمانی خود را نشان می‌دهد که نسبت گویشوران مرد به زن نابرابر باشد. زمانی که نسبت گویشوران مرد به زن (۲ به ۱) باشد، گویشوران مرد رفتار زبانی بیشتری از خود نشان می‌دهند و تحلیل آماری نشانگر آنست که این تفاوت بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد که گویشوران مرد، در حضور دیگر گویشوران مرد در تعامل، نقش فعال‌تری را بازی می‌کنند. در مقابل، گویشوران زن در حضور هم‌جنسان خود بیش از گویشوران مرد سخن نمی‌گویند. نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد که گویشوران زن حتی در موقعیتی که نسبت زنان به مردان (۲ به ۱) است، نیز نسبتاً کمتر از گویشوران مرد حرف می‌زنند. نسبت میزان کلام زنان به نسبت میزان کلام مردان تنها ۵۹/۳٪ در مقابل ۴۰/۷٪ است که این مقدار کمتر از نسبت (۲ به ۱) است. بدین معنا که معدل برونداد کلامی هر گویشور زن، کم‌تر از یک گویشور مرد است.

بدلیل این‌که تفاوت جنسیتی در یک جلسه سه نفری بهتر مشخص می‌شود، بهتر است الگوهای توزیع را این‌گونه تصور کنیم که اگر هر کس در مکالمه، نوبت و سهم عادلانه‌ای را به دست بیاورد، درصد میزان کلام مورد انتظار در مقایسه با مدت زمان واقعی که صحبت می‌کند، چه خواهد بود. با این فرض نمودارهای زیر ظاهر خواهند شد. در ابتدا موقعیت (۲ به ۱) نسبت گویشوران زن به مرد را مشاهده می‌کنید.



نمودار شماره ۴: توزیع واقعی مدت زمان مکالمه در موقعیت (امر: ۲ زن)

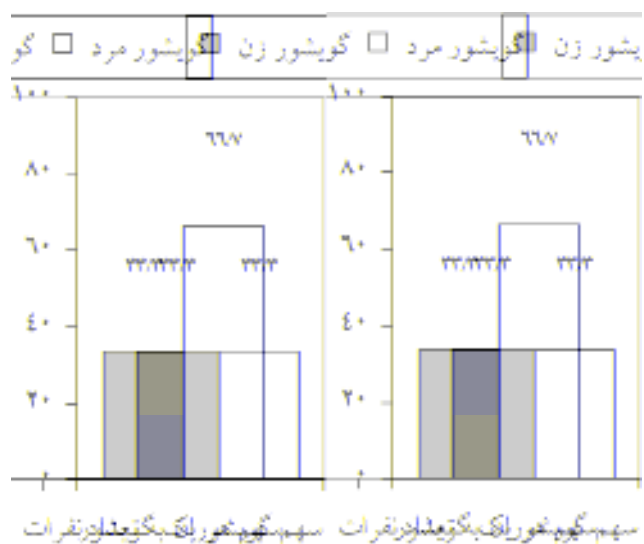


نمودار شماره ۵: توزیع مورد انتظار مدت زمان مکالمه در موقعیت (امر: ۲ زن)

در اینجا نیز موقعیت (۲ به ۱) نسبت گویشوران مرد به زن را مشاهده می کنید.



نمودار شماره ۶: توزیع واقعی مدت زمان مکالمه در موقعیت (۲ مرد: ازن)



نمودار شماره ۷: توزیع مورد انتظار مدت زمان مکالمه در موقعیت (۲ مرد: ازن)

در موقعیت (۱به۲) درصد میزان کلام مورد انتظار از مجموع ۱۰۰٪ برای هر شخص، ۳۳/۳٪ در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این نکته، چه در موقعیت (۲به ۱) و چه در موقعیت (۱به۲) (نسبت گویشوران مرد به زن)، گویشوران زن از سهم و نوبت عادلانه و مورد انتظار میزان کلام، کمتر حرف زده‌اند. به عبارت دیگر اگر مدت زمان مکالمه بطور برابر برای هر گویشور توزیع می‌شد، انتظار می‌رفت سهم گویشوران زن بیش از آن چیزی که در واقع بوده، بشود، به‌ویژه در موقعیت (۲به۱). در مقابل، گویشوران مرد بیش از سهم خود به‌دست آورده‌اند. همان‌گونه که در نمودارهای بالا مشخص است هر یک از گویشوران مرد صرف‌نظر از این‌که در موقعیت (۱به۲) و یا موقعیت (۲به۱) هستند، حدود ۴۰٪ از مدت زمان را برای حرف زدن به خود اختصاص داده‌اند. زمانی که نسبت گویشوران مرد به زن (۳ به ۱) می‌شود، تفاوت میزان کلام در درصد توزیع میان دو جنسیت بارزتر می‌شود (۹۶٪ در مقابل ۴٪).^۱ این نتایج آماری نشان می‌دهند که در تعامل مکالمه‌ای، گویشوران مرد، با بالا رفتن تعداد گویشوران همجنس خود و آگاهی از حضور یک شنونده مؤنث، فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دهند.

درباره بیان علت این تفاوت، می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که در تعامل گروهی، انتظارات کنشی گویشوران، اغلب با جنسیت و ویژگی‌های موقعیتی آن‌ها همبستگی دارد. چون در جامعه ما، مردان نسبت به زنان از موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردارند، معمولاً انتظاراتی که جامعه از افراد دارای موقعیت بالای اجتماعی دارد، با مردها ضمیمه شده است. از گویشوران مرد انتظار می‌رود در تعاملات از خود توانش هوشی بالاتری نشان دهند. به آن‌ها اجازه داده می‌شود در بحث‌ها و موضوعات کارشناسانه و بانفوذ عمل کنند، همچنین نسبت به جنس مخالف خود که از اطلاعات کمتری برخوردار است (از دید خود) بیشتر حرف بزنند. عامل دیگری که ممکن است در مکالمه‌های مختلف ایفای نقش کند، خود عامل جنس و جلب نظر جنس مخالف است. پیرسون (۱۹۸۵، ۹۲) معتقد است که گویشوران مرد در تعامل گروهی تلاش می‌کنند نظر جنس مخالف را جلب کنند. در جامعه زبانی فارسی، ارزیابی این نکته که گویشوران مرد برای جلب نظر گویشوران زن زیاد حرف می‌زنند، کار ساده‌ای نیست. اما نتایج آماری در اینجا نشان می‌دهد که گویشوران مرد در مکالمه‌های مختلط که تعداد گویشوران مرد بیشتر باشد، جملات بیشتری اظهار می‌کنند، اطلاعات بیشتری می‌دهند و اظهار نظرهای

۱- میزان کلام برابر باید حدود ۷۵٪ در مقابل ۲۵٪ می‌بود.

بیشتری می‌کنند. در این نوع تعاملات گویشوران زن به اجبار، نقش مستمع را پذیرا می‌شوند.

نتیجه‌گیری

اگرچه ممکن است تصور شود که رفتار زبانی گویشوران مرد و زن در ظاهر تفاوت زیادی با هم ندارد و یا تفاوت‌ها تنها به سطح واژگان و آوایی محدود می‌شوند، اما بررسی و مطالعه میزان کلام در تعامل مکالمه‌ای گویشوران و سطح توانش ارتباطی آن‌ها نشان داد که در سطح زبان شناختی-کلامی در زبان فارسی میان دو جنسیت تفاوت‌های زیادی وجود دارد و در حقیقت زنان و مردان زبان را با اهداف تعاملی متفاوتی بکار می‌گیرند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج به‌دست آمده نشان داد، این باور که در جامعه ما گویشوران زن بیش از گویشوران مرد سخن می‌گویند، واقعیت ندارد و گویشوران مرد فارسی زبان بیش از گویشوران زن حرف می‌زنند. گویشوران مرد ۵۷/۶ درصد و گویشوران زن ۴۲/۴ درصد زمان مکالمه را به خود اختصاص دادند. تجزیه و تحلیل میزان کلام در موقعیت‌های مختلف بر اساس موضوع خاص نیز نشان داد در هر موقعیتی که موضوع "زن محور" باشد، گویشوران زن بیش از گویشوران مرد حرف می‌زنند و در هر موقعیتی که موضوع "مرد محور" باشد گویشوران مرد بیش از گویشوران زن مدت زمان مکالمه را به خود اختصاص می‌دهند. با توجه به نسبت تعداد گویشوران مرد به زن، نتایج این پژوهش نشان داد در موقعیت‌هایی که نسبت تعداد گویشوران مرد بیش از گویشوران زن و یا برابر باشد، گویشوران مرد مدت زمان بیشتری نسبت به گویشوران زن به خود اختصاص می‌دهند.

نکته‌ای که باید درباره این نتیجه‌گیری افزوده شود، این است که این پژوهش صرفاً تعامل مکالمه‌ای را در بافت‌های محدود و متغیرهای مشخص مورد مطالعه قرار داده است. ممکن است که بافت‌های متفاوت دیگر و متغیرهای زبانشناختی-کلامی دیگر بر روی رفتار کلامی مورد انتظار گویشوران مرد و زن تأثیرگذار باشد. علاوه بر ماهیت قابل توجه موقعیت‌هایی که در آن تعامل صورت می‌گیرد، عوامل اجتماعی دیگری نیز وجود دارد که بر رفتار زبانی گویشوران مرد و زن تأثیر می‌گذارند. گویشوران زن و مرد ممکن است با توجه به الگوی زیربنایی روابط اجتماعی، محتوا و مضمون تعامل، ساخت انتظارات از خود و دیگران و یا محدودیت‌های دیگر بر روی بافت، کنش متفاوتی از خود نشان دهند.

- Coates, J. (1986). *Women, Men and Language: Studies in Language and Linguistics*. London: Longman Group UK Limited.
- . (1996). *Women Talk*. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Edelsky, C. (1981) .“Who’s Got the Floor?” *Language in Society*. V.10.189-224.
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City*. Washington D.C.:Center for Applied Linguistics.
- . (1972). *Sociolinguistic Patterns*. Philadelphia: University Press.
- . (1990) .“The intersection of sex and social class in the course of linguistic change”. *Language variation and change*. V. 2,3. 205-54.
- Lakoff, R. (1975). *Language and Woman’s Place*. Harper&Row, New York.
- . (1990). *Talking Power* . Harper Collins, USA.
- Milroy, J. (1981). *Regional Accents of English* : Belfast. Belfast: Blackstaff.
- Pearson, J. C. (1985). *Gender and Communication*. Dubuque: Wm.C.Brown Publishers.
- Tannen, D. (1991). *You Just Don’t Understand*. Virago, London.
- . (Ed), (1993). *Gender and Conversational Interaction*. Oxford: Oxford University Press.
- . (2000) .“New York Jewish Conversational Style”. In Jaworski, A. & Coupland, N. (Eds.), *The Discourse Reader*. London: Routledge.
- Trudgill, P. (1974). *The Social Differentiation of English in Norwich*. Cambridge: Cambridge University Press.
- . (1983). *Sociolinguistics: an introduction to language and society*. London: Penguin, Harmondsworth.